



**Scientific-research Quarterly of
Law Knowledge of
Khatam Al-Nabieen University**



Human Security Theory and the Right to Sustainable Peace in Afghanistan

Qasem Ali Sadaqat

Abstract

The right to sustainable peace is a fundamental right of the people in both Islamic and secular cultures, allowing them to live in a peaceful environment, which requires positive actions by the government. Therefore, human security is an essential and unique strategy for ensuring sustainable peace. Analyzing the relationship between human security and sustainable peace is crucial because its function is to guarantee sustainable peace. Thus, in this research, the relationship between human security and sustainable peace is analyzed using an inductive–deductive (argumentative) research method. This analysis is carried out by citing multiple examples, as well as examining the components and elements of human security and their positive impacts on ensuring sustainable peace, utilizing a library–based method. Moreover, this research emphasizes human security alongside traditional security, but the greatest emphasis, particularly with a focus on ensuring sustainable peace, is placed on human security. As a result, this research demonstrates through the aforementioned methods that the Afghan government must take measures in the realm of human security to achieve sustainable peace and allow people to live in a peaceful and harmonious environment.

Keywords: Sustainable peace, human security, traditional security, Afghanistan, freedom from fear, poverty, and indignity, United Nations Development Programme (UNDP)



فصلنامه علمی-تحقیقی دانش حقوقی

دانشگاه خاتم النبیین (ص)

سال دوم، شماره ی ششم، زمستان ۱۴۰۳

صفحه ۳-۲۹



نظریه امنیت انسانی و حق بر صلح پایدار در افغانستان

قاسم علی صداقت*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

حق بر صلح پایدار هم در فرهنگ اسلامی و هم عرفی از حقوق مسلم مردم است که در فضای زیست مسالمت‌آمیز زندگی نمایند که تأمین آن نیازمند اقدامات مثبت دولت است. بدین‌رو، امنیت انسانی راهکاری اساسی و مهم بلکه منحصر به فرد برای تضمین صلح پایدار است. از این‌رو، تحلیل رابطه امنیت انسانی و صلح پایدار بسیار مهم است؛ چون کارکرد آن تضمین صلح پایدار است. بنابراین، در این مقاله با روش استقرائی-قیاسی (برهانی) و کتابخانه‌ای رابطه امنیت انسانی با صلح پایدار تجزیه و تحلیل می‌شود و نمونه‌های متعدد و اجزا و عناصر امنیت انسانی و آثار مثبت آنها بر تضمین صلح پایدار بررسی می‌شود. از سوی دیگر، در این تحقیق بر امنیت انسانی در کنار امنیت سنتی تأکید شده است؛ اما بیشترین اهمیت به ویژه با رویکرد تضمین صلح پایدار به امنیت انسانی داده شده است. در نتیجه با روش‌های یادشده در این تحقیق اثبات شده است که دولت افغانستان باید اقداماتی را در حوزه امنیت انسانی انجام دهد تا صلح پایدار محقق شود و مردم در فضای آرام و مسالمت‌آمیز زندگی نمایند.

واژگان کلیدی: صلح پایدار، امنیت انسانی، امنیت سنتی، افغانستان، رهایی از ترس، نداری و بی-حرمتی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد.

* کدر علمی دیپارتمنت حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص) sadaqat1345@yahoo.com

امنیت انسانی مفهومی مربوط به بعد از جنگ سرد است که به درک چند رشته علمی نیاز دارد. این مفهوم شامل چندین حوزه تحقیقاتی مانند مطالعات توسعه، روابط بین‌الملل، مطالعات راهبردی و حقوق بشر است. همه این حوزه‌ها به‌طور متقابل به هم مرتبط هستند و همپوشانی دارند. نقطه عطف امنیت انسانی با انتشار گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد آغاز شد که با تأکید اشاره می‌کند که تأمین (آزادی از نیاز) و (آزادی از ترس) برای همه افراد بهترین روش برای مقابله با مشکل امنیت جهانی است.

ازسوی دیگر، حق بر صلح از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است و از این جهت، دولت در برابر آن تعهدات مثبت و منفی دارد و باید اقدامات ایجابی و متعدد و متنوع را انجام دهد تا بتواند حق بر صلح پایدار را تأمین نماید. ازسوی دیگر، امنیت انسانی در کنار نظریه امنیت سنتی به‌عنوان برنامه توسعه سازمان ملل متحد در عصر حاضر بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است.

مسئله اصلی نوشتار حاضر تبیین رابطه پدیداری امنیت انسانی و تأمین صلح پایدار در افغانستان است. بدین معنا که این نوشتار به تبیین و تحلیل چگونگی رابطه امنیت انسانی و صلح پایدار در افغانستان می‌پردازد. امنیت انسانی متغیر مستقل و حق بر صلح پایدار متغیر وابسته است. فرض نوشتار بر آن است که امنیت انسانی بر تضمین صلح پایدار تأثیرگذار است. ثقل اصلی تحقیق برای اثبات این رابطه است. این مقاله درصدد است رابطه را با متغیر مستقل وابسته یادشده با روش استقرائی و برهانی اثبات نماید. از طرفی رابطه علی و معلولی میان امنیت انسانی و صلح مشخص شود که رابطه با وصف یادشده میان آن دو وجود دارد یا هر معلول عوامل دیگری است که میان آنها رابطه وجود دارد. روش تحقیق نیز با توجه مطالب یادشده استقرائی و برهانی است. پس ناچار هستیم که تأثیر امنیت انسانی را بر تضمین صلح پایدار تحلیل و بررسی نماییم.

نکته‌ای دیگر که نباید از آن غافل شد، رابطه نزدیک میان علل و عوامل امنیت انسانی و علل و عوامل صلح پایدار است؛ یعنی فرض نوشتار بر آن است که تبعیض، بی‌عدالتی، عدم برخورداری اقتصادی منصفانه و عادلانه، عدم توزیع عادلانه امکانات و فقدان برابری فرصت (عوامل تهدیدکننده امنیت انسانی و متغیر مستقل) جنگ، آشوب، شورش، انواع خشونت (عوامل تهدیدکننده صلح پایدار و متغیر وابسته) تأثیر دارد.



امنیت انسانی در این تحقیق به معنای رهایی از بی‌حرمتی، ترس و ننداری است و رهایی از ننداری یعنی رهایی از فقر اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در این معنا بسیار مهم است. در این تحقیق اصرار بر تأثیر امنیت انسانی بر صلح پایدار است. بدون امنیت انسانی در هر کشور از جمله افغانستان صلح پایدار محقق نخواهد شد. در زمینه پیشینه تحقیق تا جایی که نویسنده جستجو نموده است، مقالاتی در این زمینه نوشته شده است؛ اما رابطه پدیداری بین آن دو را با روش استقرائی و قیاسی مورد توجه قرار نداده است؛ یعنی هم امنیت انسانی و هم صلح پایدار ناشی از عوامل اساسی تری است که باید به آنها توجه شود؛ اما هرگاه امنیت انسانی محقق شود، صلح پایدار هم تأمین می‌شود.

الف) تحلیل مفهومی

با عنایت به اینکه امنیت انسانی و حق بر صلح پایدار هر دو پدیده‌های جدید هستند، از نظر تحلیل مفهومی نیاز به بحث بیشتر دارد و از این جهت عنوان مستقل برای تحلیل مفهوم در نوشتار حاضر در نظر گرفته شده است.

۱. امنیت انسانی

امنیت انسانی، به مفهوم مضیق، عبارت است از: «حفاظت از افراد از جنگ و دیگر اشکال خشونت». بین خشونت و فقر با حکمرانی ضعیف همبستگی وجود دارد (Burgess & Owen, 2004, p.365). امنیت انسانی، به مفهوم مدرن در برابر سنتی، در طرح برنامه توسعه سازمان ملل متحد به دلیل تغییر عمده‌ای بود که امنیت در برداشت اشخاص و دولت‌ها متفاوت بود. به‌طور مثال، ممکن است دولت زمانی در امنیت باشد که با تهدیدات قریب‌الوقوع حمله یا انقلاب روبه‌رو نباشد؛ درحالی‌که ممکن است مردم با ترس روبه‌رو باشند. امنیت انسانی برای کشورهای درحال توسعه محدودیت نیست؛ اما به‌صورت جهانی قابلیت اجرایی دارد (UNDP, 1994, p.22). از مهم‌ترین لوازم جدا کردن امنیت از مرزهای ملی کشورها این است که تهدیدات امنیت انسانی با مرزهای ملی محدود نمی‌شوند؛ اما می‌تواند پیامدهای جهانی داشته باشد (ibid, p. 22). محور تعریف برنامه توسعه سازمان ملل متحد از امنیت انسانی، مفاهیم «آزادی از ترس، بی‌حرمتی و آزادی از ننداری» است که می‌تواند در قالب آزاد بودن از تهدیدات خشن نسبت به حیات انسان و آزاد بودن از تهدیدات سخت مانند گرسنگی، مریضی و حوادث طبیعی درک شود (Ibid, p.24).

برداشت سازمان ملل از مفهوم امنیت انسانی، این نکته را متضمن است که صلح پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز می‌تواند در دسترس باشد و مردم را از ترس و نداری آزاد کند. این به معنای حفاظت از مردم در برابر تهدیدها و موقعیت‌های بحرانی (شدید) و فراگیر (گسترده) است. این به معنای استفاده از فرآیندهایی است که بر توانایی‌ها و آرزوهای مردم بنا شده‌اند. این به معنای ایجاد نظام‌های سیاسی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که در کنار هم سنگ‌بنای بقا، معیشت و کرامت را به مردم می‌دهد (Special Report, UNDP, 2022, p.35).

این تعریف ثابت نبود؛ بلکه قرار بود با شرایط مختلف تطبیق پیدا کند و در طول زمان تکامل یابد: «هسته اصلی زندگی مجموعه‌ای از حقوق اولیه و آزادی‌هایی است که مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. آنچه مردم آن را "حیاتی" می‌دانند - آنچه که آنها به‌عنوان "جوهره زندگی" و "بسیار مهم" می‌دانند - در بین افراد و جوامع مختلف متفاوت است. به همین دلیل هر مفهومی از "امنیت انسانی" باید پویا باشد و به همین دلیل ما از ارائه فهرستی از اجزای امنیت انسانی خودداری می‌کنیم که کرامت را به مردم می‌دهد (ibid).

درعین حال، پژوهشگران استدلال کرده‌اند که از زمان پیدایش (یا تجدید پیدایش) مفهوم امنیت انسانی در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، سه عنصر ثابت در بحث وجود دارد: آزادی از نیاز، آزادی از ترس و بی‌حرمتی (Tadjbakhsh, 2013). ۱. آزادی از نیاز: شرایطی که امکان حفاظت از نیازهای اساسی، کیفیت زندگی، معیشت و رفاه انسانی را فراهم می‌کند؛ ۲. آزادی از ترس: شرایطی که امکان حفاظت افراد و گروه‌ها از تهدیدهای مستقیم به ایمنی و تمامیت جسمانی را فراهم می‌کند؛ از جمله انواع مختلفی از خشونت مستقیم و غیرمستقیم، چه عمدی و چه غیرعمدی و ۳. آزادی از بی‌حرمتی (کرامت انسانی): شرایطی که افراد و گروه‌ها از حفاظت حقوق اساسی خود اطمینان حاصل می‌کنند و امکان انتخاب و بهره‌مندی از فرصت‌ها در زندگی روزمره خود را دارند (United Nations, 2016)

در تعریف دیگر آمده است: امنیت انسانی شامل حفاظت آزادی‌های انسانی مانند آزادی از نیاز، آزادی از آسیب، آزادی از ترس و آزادی اقدام به نفع خود است؛ آزادی‌هایی که بدون آنها توانمندسازی انسانی ممکن نخواهد بود. توانمندسازی به معنای تضمین وجود یا ایجاد سیستم‌هایی است که به مردم ابزارهای بقا، کرامت و معیشت را می‌دهند. چالش‌های امنیت انسانی از تهدیدهای آزادی و توانمندسازی ناشی می‌شوند؛ مانند فقر که افراد را از انتخاب‌ها و تحرک محروم می‌کند؛ خشونت که ایمنی بدن را به خطر می‌اندازد و بیماری که ترس و ناتوانی یا حتی مرگ را ایجاد می‌کند (IPSHU)



(English Research Report Series, 2004, p.199) رهایی از نداری، رهایی از ترس، و رهایی از بی‌حرمی عناصر اصلی امنیت انسانی در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد می‌باشند.

۲. حق بر صلح پایدار

باید اذعان نمود که ماهیت حق بر صلح به مفهوم مدرن و مثبت به‌گونه‌ای است که مستلزم تحقق پیش‌شرط‌هایی است؛ یعنی حق بر صلح محقق نخواهد شد، مگر قبل از آن کرامت انسانی از نظر عینی و ذهنی در یک جامعه به رسمیت شناخته شده باشد و مصادیقی از حق‌های دیگر همانند حق بر برابری فرصت، عدالت، حق بر معیشت، حق بر حیات و حق بر زیست سالم و... به رسمیت شناخته شده و عینیت یافته باشند. از سوی دیگر، افزون بر صلح عینی، مفهوم نوین از صلح مورد توجه است و آن صلح ذهنی است؛ به معنای وضعیتی که مردم از نظر روحی و ذهنی نیز به‌دوراز هرگونه استرس روحی و نگرانی شدید و جمعی باشند (امینی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳-۱۳۴). جامعه صلح‌مند، جامعه‌ای است که عاری از خشونت، تنش، فقر، استبداد، تبعیض و بی‌عدالتی باشد. برخی باور دارند که در فرهنگ اسلامی نیز صلح و سلم صرف به معنای «نبود جنگ» نیست و افزون بر آن به معنای آرامش و امنیت و همین‌طور به معنای فقدان برخورد و کشمکش و ناامنی و نظایر آن است (جمشیدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۲۳).

از طرفی «حق» در اینجا به معنای ادعای مسلط و حاکم بر بسیاری از ادعاها و قواعد دیگر است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و در هنگام تعارض و تزاخم با دیگر مسائل و موضوعات، در خیلی موارد بر آن مقدم داشت. از این‌رو، حق بر صلح از جمله نسل سوم حقوق بشر است که ادعای مسلط و حاکم است که بر بسیاری از امور دیگر مقدم است و دولت و دیگران در برابر آن تعهدات ایجابی و سلبی دارند. باید یادآوری کرد که امنیت انسانی به مفهوم جدید ناسازگار با امنیت سنتی نیست و می‌تواند مکمل یا بستر ساز برای آن باشد؛ اما تمرکز امنیت انسانی بر انسان و توده مردم است.

ب) ویژگی‌های امنیت انسانی

۱. دغدغه این نوع امنیت کرامت انسانی است. اساساً دو دیدگاه مختلف برای مسئله امنیت انسانی وجود دارد: یکی دیدگاه حداقل‌گرایانه است که بیشتر محققان کانادایی، غربی و آمریکایی روی این موضوع کار می‌کنند که امنیت انسانی را به‌عنوان آزادی از ترس ببینند. دیدگاه دوم که دیدگاه حداکثرگرایانه است معتقد است: امنیت انسانی یعنی آزادی از نیازمندی‌ها و برخورداری از امکانات



حیات و آزادی از بی‌حرمی و تضمین کرامت است. در این برداشت از امنیت انسانی، حقوق بشر و امنیت انسانی یک ماهیت دارند که هدف آن تضمین کرامت فرد انسانی است.

۲. امنیت انسانی مکمل امنیت سنتی و دولتی است و به یک معنا نقطه مقابل آن؛ زیرا موضوعات مختلفی که از دیدگاه طراحان و نظریه‌پردازان امنیت دولت محور پوشیده می‌ماند به واسطه امنیت انسان محور و امنیت انسانی آشکار می‌شود. بدین‌رو، امنیت انسانی با حقوق بشر همپوشانی کامل دارد. از ظرفی طرح امنیت انسانی یک دیدگاه بی‌طرف نیست و در عمل نیز موجب تغییراتی در حکومت‌داری خواهد شد. از این جهت، این نوع امنیت نقطه عزیمت آن مردم است و هدف هم تضمین حقوق آنان است.

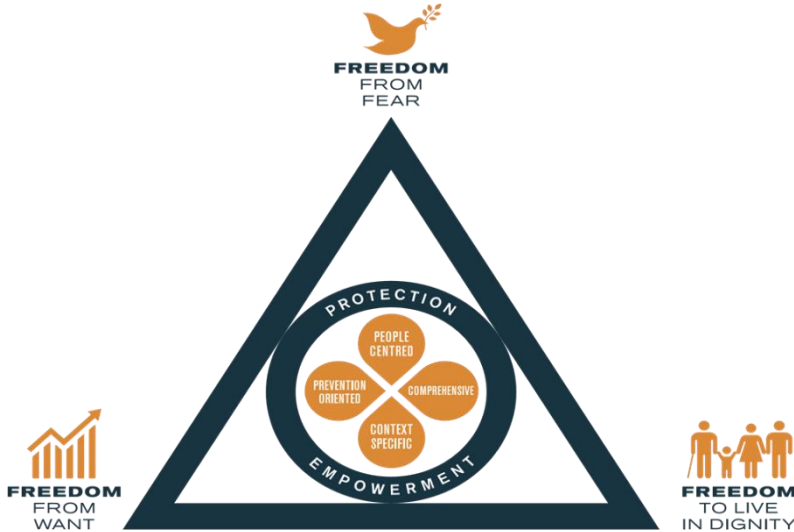
۳. لازمه برنامه‌ریزی برای امنیت انسانی، تأمین دسترسی به فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه امکانات است. تأمین امنیت صرف جنبه نظامی و امنیتی به مفهوم خاص ندارد؛ بلکه نیازمند اقدامات مثبت در حوزه برابری فرصت و توزیع عادلانه امکانات است. در این برداشت برای تأمین امنیت نیاز به به‌کارگیری اردو، امنیت ملی و پلیس است؛ اما در کنار آن مهم یک سری سیاست‌ها است که مبتنی بر کاربرد زور نیست که به تدریج موجب خواهد شد ترس از جنگ و نداری از بین برود. سیاست‌هایی باید طراحی و بعد اجرایی شود که از تعهدات مثبت دولت در برابر امنیت انسانی مردم است. بدیهی است این اقدامات خواه در مرحله سیاست و خواه عمل باید شش حوزه را پوشش دهد که پیش از این بدان اشاره شد.

۴. در این برداشت برای تأمین امنیت نیاز به کارگیری اردو، امنیت ملی و پلیس است اما در کنار آن مهم یک سری سیاست‌ها و پالیسی‌های است که مبتنی بر کاربرد زور نیست که به تدریج موجب خواهد شد ترس از جنگ و نداری از بین برود. سیاست‌های و پالیسی‌ها باید طراحی و بعد اجرایی شود که از تعهدات مثبت دولت در برابر امنیت انسانی مردم است. بدیهی است این اقدامات؛ خواه در مرحله پالیسی و خواه عمل باید شش حوزه را پوشش دهد که پیش از این اشاره شد.

۵. امنیت انسانی مردم محور است. تأکید این نوع امنیت بر فرد انسانی است و کانون و مرکز اصلی آن امنیت انسانی در حوزه‌های مختلف می‌باشد.



۶. در این برداشت از امنیت تأکید بر آزادی از ترس، نداری و بی حرمتی است. ال‌کایر در تعریف خود تأکید می‌کند که هدف امنیت انسانی حفظ هسته ضروری حیات همه انسان‌ها به طریقی است که آزادی‌ها و رضایت انسانی را توسعه و ارتقا بخشد (پائولین کر، ۱۳۸۷، ص ۶۰۸).

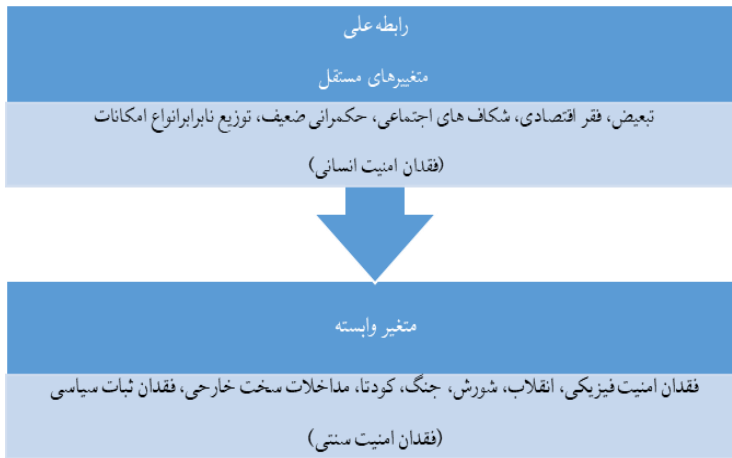


نمودار ۱. عناصر و کارکرد امنیت انسانی

منبع: HUMAN SECURITY HANDBOOK, 2016, p. 4

همان‌طور که در نمودار ۱ دیده می‌شود، امنیت دارای سه عنصر اصلی (رهایی از ترس، نداری و بی حرمتی) است که محتوای آن ویژگی‌های خاص دارد که حمایت‌کننده و توانمندساز است. به عبارت دیگر، امنیت انسانی نیازمند پاسخ‌ها و اقدامات جامع، با محوریت مردم، خاص هر موقعیت و پیشگیرانه است که حمایت و توانمندسازی همه افراد و همه جوامع را تقویت می‌کنند. (United Trust Found for Human Security, 2016, p. 4, 6). به‌دیگرسخن، رویکرد امنیت انسانی چیزی بیش از یک تمرین در برنامه‌ریزی مشترک است. این رویکرد دارای پنج اصل بنیادی است که آن را از صرف کار کردن با هم متمایز می‌کند (Ibid, p.7). به همین دلیل دولت دارای نقش اصلی در این حوزه بوده و بازیگر اصلی است که تعهدات ایجابی مشخص دارد.

۷. رابطه متقابل امنیت انسانی و سنتی. امنیت انسانی و سنتی رابطه و تأثیر و تأثر متقابل دارند؛ اما در این تحقیق بر تأثیر امنیت انسانی بر امنیت سنتی تأکید دارد و ثبات سیاسی و دولتی را مریهون امنیت انسانی می‌داند. چنان‌که در کشورها پیشرفته و دارای دموکراسی‌های اجتماعی امنیت انسانی بر امنیت دولتی و سنتی تأثیر زیاد گذاشته است. دولت‌ها با انقلاب، کودتا، شورش، جنگ کمتر ساقط می‌شوند و در برابر مداخلات خشن و نظام خارجی نیز ایمن هستند؛ یعنی امنیت انسانی را متغیر مستقل و امنیت سنتی را متغیر وابسته می‌دانند.



نمودار ۲. رابط علی و معلولی میان امنیت انسانی و سنتی و عوامل آن

در مورد اجزا و عناصر امنیت انسانی اتفاق نظر وجود ندارد و این پویایی موجب می‌شود که با شرایط بومی خود را تطبیق دهد و شرایط هر کشوری در نظر گرفته و برای آن برنامه‌ریزی شود. به همین دلیل، اجزا و عناصر آن از مطالب پیشین نام برده شده است. برخی امنیت فناوری (تکنولوژیکی) را به هفت عنصر یادشده افزوده‌اند: «۱. امنیت اقتصادی: تضمین دسترسی به درآمد، فرصت‌های شغلی و منابع در حین کاهش نابرابری‌های درآمدی و ترویج توزیع عادلانه ثروت؛ ۲. امنیت غذایی: تضمین دسترسی و استفاده از غذاهای به دست آمده از منابع متنوع، و ترویج روش‌های کشاورزی پایدار؛ ۳. امنیت بهداشتی: فراهم کردن دسترسی به خدمات بهداشتی ضروری، ترویج آگاهی عمومی از بهداشت و پیش‌بینی شیوع بیماری‌ها و همه‌گیری‌ها؛ ۴. امنیت محیط‌زیستی: حفظ منابع طبیعی، ترویج توسعه پایدار و کاهش تخریب محیط‌زیست و تأثیرات تغییرات اقلیمی؛ ۵. امنیت شخصی:



حفاظت از افراد در برابر خشونت، جرم و بدرفتاری، ترویج فرهنگ احترام به حقوق بشر، و ترویج همبستگی اجتماعی؛ ۶. امنیت اجتماعی: تقویت پیوندهای اجتماعی، حمایت از نهادهای محلی، و ایجاد حس تعلق و هویت در جوامع متنوع؛ ۷. امنیت سیاسی: حمایت از اصول دموکراتیک، تضمین حکمرانی مؤثر، و ترویج شفافیت، پاسخگویی و مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری. و ۸. امنیت فناوری: تضمین استفاده ایمن و اخلاقی از فناوری با حفاظت در برابر تهدیدات سایبری، ترویج دسترسی عادلانه به فناوری، و حمایت از نوآوری پایدار از طریق تنظیمات قوی و همکاری‌های بین‌المللی» (Inter-Parliamentary Union, 2024, p.7)



نمودار ۳. اجزا و عناصر امنیت انسانی در قالب تصویر از سوی اتحادیه بین‌المجالس

منبع: Inter-Parliamentary Union, 2024, p.7

از این رو، ممکن است عناصر امنیت انسانی به دلیل تأثیر ماندگار و عمیق منحصر به موارد یادشده نباشد و به همین جهت گفته شده است که اجزای آن پویاست. به همین دلیل در هدف امنیت انسانی آورده شده است: «هدف از امنیت انسانی محافظت از هسته حیاتی همه افراد بشر در برابر تهدیدات شایع است؛ به نحوی که با شکوفایی و کمال بلندمدت آدمی سازگاری داشته باشد» (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۸۱۸-۸۱۹). بعد با توجه به اجزا و عناصر امنیت انسانی تهدیدات شایع هم نام برده شده است:



جدول تطبیقی امنیت سنتی و انسانی	
امنیت انسانی	امنیت سنتی (سخت و دولتی)
تأثیرات غیرفیزیکی و دوامدار	تأثیر فیزیکی و موقتی
تمرکز بر فرد انسانی و مردم	تمرکز بر دولت و نهادهای دولتی
رهایی از ترس و نداری	پیشگیری از کودتا، انقلاب و سقوط نظام سیاسی
امنیت همه انسانها	امنیت نهادهای دولتی
فراتر از نبود جنگ	نبود جنگ
ثبات سیاسی پایدار	ثبات سیاسی ناپایدار
تکمیل-کننده	تکمیل-شده
انسان-محور	دولت-محور
اجزا و عناصر متعدد و پیچیده	اجزا و عناصر محدود
تغییرات از پایین به بالا	تغییرات از بالا به پایین
غیردستوری و بدون کاربرد زور	دستوری و کاربرد زور
تغییرات عمیق، بنیادی و پایدار	تغییرات سطحی و زودگذر
امنیت درون-زاد، آسایش و آرامش	امنیتی سازی فضای کشور
وفاداری درونی، ماندگار واقعی به مقامات و	وفاداری صوری و ظاهری به مقامات و نهادهای دولتی
انکا به قدرت مردم و ملت	احتمال انکا به قدرت-های خارجی
پایین بودن احتمال کاربرد زور و اجبار	احتمال زیاد کاربرد زور و اجبار نامعقول
عناصر بیشتر کیفی	عناصر بیشتر کمی
تأثیرات مداوم و مستمر	تأثیرات سریع و کوتاه‌مدت
اهداف بلندمدت	اهداف کوتاه‌مدت
هدف	ابزار
مورد حمایت آرمان-گرایان	مورد حمایت واقع‌گرایان
نگاه کاملا انسانی	احتمال رویکرد غیرانسانی

نمودار ۴: مقایسه امنیت سنتی و انسانی

قتل خشونت بار / معلول کردن، رفتار غیرانسانی، مواد مخدر، تبعیض و سلطه‌گیری، منازعات بین-المللی، سلاح‌های مخرب و کشنده، محرومیت، بیماری، عقب‌ماندگی، انتقال و جابه‌جایی جمعیت و تخریب محیط‌زیست (همان، ۸۲۱-۸۲۲).

در مجموع باید گفت: امنیت انسانی مکمل امنیت سنتی است و در نقطه مقابل آن قرار ندارد؛ اما روشن است که صلح پایدار بدون امنیت انسانی فراهم نخواهد شد. اهمیت امنیت انسانی بیش از امنیت سنتی است؛ خواه از منظر کارکردی یا انسانی و آرمانی

ج) صلح‌سازی و صلح‌بانی در متن جامعه (از پایین به بالا)

صلح‌سازی و صلح‌بانی بر محور امنیت انسان به‌عنوان متغیر مستقل، تمرکز بر تغییرات در متن جامعه دارد، به اضافه آنکه تغییرات در لایه‌های بالای جامعه و نهادهای دولتی را مهم می‌داند؛ زیرا تجربه نیم‌قرن جنگ و درگیری در افغانستان نشان می‌دهد تا هنگامی که در متن جامعه تحول به وجود نیاید، ثبات و پایداری، که جزء پیش‌نیازهای مهم صلح است، محقق نخواهد شد؛ زیرا در جامعه‌ای که مردم



هم رهایی از ترس و هم رهایی از انواع ناداری داشته باشند، به خودی خود بستر جنگ و درگیری کاهش پیدا می‌کند و اصل وفاداری به حکومت‌ها و حمایت از آنها شکل می‌گیرد.

بنابراین، ما موضوع اصلی خود را امنیت انسانی در افغانستان، و همچنین در دیگر جوامع غیرغربی پسانتعارض دانستیم با نظر به بعد امنیت اجتماعی و نه فردی. اکنون ضروری است که بیشتر روی مفهوم امنیت انسانی در راستای صلح‌سازی بحث کنیم. همان‌گونه که پیش‌ازاین ذکر شد، ادبیات امنیت انسانی و صلح‌سازی، پافشاری بر اهمیت دیدگاه پایین به بالا برای صلح‌سازی و توسعه که مشمول درک وضعیت در این بستر است تا اجرای دیدگاه بالا به پایین، یعنی نظریه لیبرالی برای صلح‌سازی که بر پایدارسازی تأثیر نهادها متمرکز است. امنیت انسانی برخلاف ایده‌های سنتی درباره روابط فرد با دولت، که دولت به‌صورت سنتی نگاه بیرونی به نظام بین‌الملل به‌خاطر مشروعیت دارد؛ اما امنیت انسانی کشورها را وادار می‌کند که نگاه دورنی به شهروندان به‌خاطر مشروعیت داشته باشند. این موضوع متضمن این نکته است که تلاش برای صلح‌سازی و توسعه برای اینکه مشروع قلمداد شود، باید بر درک نیازهایی متمرکز باشد که از سوی خود مردم بیان شده‌اند.

فرانتزل^۱ می‌نویسد: صلح‌سازی بین‌المللی به‌صورت ناموزون و درواقع، میزان پایین بهبود امنیت انسانی را دربرداشته است؛ بدین دلیل که لیبرال‌های سنتی و نهادگرا بر صلح‌سازی از بالا به پایین تمرکز کرده‌اند (۲۰۱۱، ص ۱۳). این دیدگاه همان‌گونه که بیان شد، برخی موفقیت‌های ارزشمند در قسمت تعارض‌های مداوم و بهبود ثبات داشته است؛ اما دستاورد محدودی در قسمت صلح پایدار داشته است. این موفقیت کم، بدان دلیل است که برنامه صلح‌سازی قدیمی به‌شدت هم‌ردیف ایده سنتی امنیت است که در آن پایدارسازی دولت‌های شکننده از لازمه امنیت بین‌المللی دانسته شده است و به دلیل مشکلاتی است که در مدل نهادگرایان لیبرال نسبت به صلح‌سازی و توسعه وجود دارد (Ibid).

همچنین، حفیظ‌الله عمیدی به نفع توسعه از پایین باور دارد؛ زیرا معتقد است برخلاف کشورهای درحال توسعه که در آنجا توسعه‌سازی از بالاست، در کشورهای غربی از سوی مردم پیش برده می‌شود، از طریق مشارکت مردمی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی (۲۰۰۸، ص ۱۴۲). در کشورهای درحال توسعه، با حکومت‌های تمامیت‌خواه، به مردم واقعاً فرصت داده نمی‌شود که دیدگاه خود را بیان کنند، به دلیل یک باور دولتی که عمدتاً مردم بی‌سواد شرایط بیان نیازهای خود را ندارند.

^۱. Frantzell

شکست در تغییر وضعیت در این زمینه، برآیند دیدگاه بالا به پایین، نسبت به توسعه است (همان). سیاست توسعه‌ای تحمیلی از بالا در این مدل و همین‌طور سیاست‌ها، سنت‌ها و ایدئولوژی‌ها و سنت‌های مشابه در زمینه تحکیم ساختارهای اقتصادی-سیاسی شکست خورده‌اند (همان).

افزون‌براین، توسعه معمولاً به دستاوردهای اقتصادی وابسته است که استانداردهای زندگی مردم را ارتقا می‌دهد. چنین وابستگی به خودی خود لزوماً نقصان نیست؛ اما دیدن توسعه در ماهیت خود به‌عنوان امر صرفاً اقتصادی موجب پیدایش مفهومی از توسعه به‌عنوان تغییر و توسعه اقتصادی است و نه تغییر و توسعه آگاهی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (همان). این موضوع مرتبط با امنیت انسانی، و صلح‌سازی است، زمانی که امنیت انسانی در ماهیت به‌عنوان اولویت اقتصادی تلقی شود و اهمیت تبعیض فرهنگی، سیاسی و اجتماعی فراروی گروه به حاشیه رانده شده، نادیده گرفته شود.

تأکید بر مالکیت محلی صلح‌سازی و توسعه با رویکرد نظری افزایش یافته است؛ اما باوجود اهمیت این موضوع، تحقیقات محدودی با تمرکز بر دید محلی نسبت به ابتکارات صلح‌سازی انجام شده است. علت این امر درگیری صلح‌سازی با دولت‌سازی یک ضعف است و بدان دلیل که کشورها توسعه‌نیافته تهدیدی برای امنیت جهانی تلقی شده‌اند (همان).

به‌هرحال، تحقق نگاه به داخل و تمرکز بر آن را مهم می‌داند تا تغییرات درون جامعه افغانی به وجود آید و تغییرات هم با فشار و اجبار بیرونی امکان ندارد. صلحی پایدار است که محصول تغییرات اساسی جامعه باشد، نه صلح که از سوی کشورهای دیگر بر ما تحمیل شود. چنان‌که تجربه بیست سال مداخله آمریکا و کشورهای غربی در افغانستان نشان می‌دهد با فشار بیرونی صلح پایدار شدنی نیست. اگر رشد فکری، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در متن جامعه به وجود آید به‌خودی‌خود بستر صلح پایدار فراهم می‌شود؛ زیرا میزان نارضایتی را کاهش داده و بستر زندگی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کند. بدین‌رو، ابتکارات بیرونی برای صلح اگر همراه با تغییرات عمیق و بنیادین برای رشد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نباشد، به صلح پایدار منجر نخواهد شد.

انواع تبعیض و بی‌عدالتی و نابرابری فرصت در برخورداری‌های مختلف دشمن صلح پایدار است و امنیت انسانی عوامل منفی یادشده را تضعیف و کم‌رنگ می‌نماید. به‌هرحال، توسعه انسانی بر تغییرات از پایین به بالا و از بطن جامعه نقطه عزیمت آن است تا به امنیت انسانی منجر شود. در کنار امنیت سنتی و دولتی و امنیت انسانی مکمل امنیت سنتی و سخت آن (دولت‌محور) است و از هر دو



نباید چشم‌پوشی کرد؛ اما امنیت انسانی قطعاً بر لایه‌های مختلف جامعه تمرکز دارد تا بستر عمیق صلح پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز را در جامعه چندپارچه مذهبی و نژادی فراهم نماید. امنیت انسانی همه انسان‌ها را هدف خود می‌داند و مختص گروه خاص اجتماعی نیست و از این جهت می‌تواند به تضمین صلح پایدار در جامعه چندپارچه کمک نماید.

به‌دیگرسخن، امنیت انسانی مردم‌پایه است. رهیافت امنیت انسانی، در تحلیل امنیت رهیافتی غیررنالیستی است. برای اینکه رهیافت یادشده نقش و سهم مردم در تدارک امنیت را نادیده می‌گیرد و همه نظم‌ها را محصول تصمیم دولت و تدبیر دولتی‌ها می‌شمارد. مردم، محله‌ها، منطقه‌ها و انسان‌ها اهمیتی ماندگارتر و اساسی‌تر دارند و دولت منهای مردم یا کشور منهای رضایت محلی، صرفاً یک شعار و شوخی است. دولت تنها می‌تواند امنیت به وجود بیاورد؛ اما چنین امنیتی هرگز پایدار نخواهد بود.

د) امنیت انسانی و سنتی؛ ناکامی امنیت سنتی در تضمین صلح پایدار

نیم‌قرن تجربه جنگ و درگیری داخلی در افغانستان نشان داده است که امنیت سنتی (کوتاه‌مدت) نتوانسته مشکلات بنیادی افغانستان را حل کند و این کشتی طوفان‌زاده را به ساحل آرامش سوق دهد. پس رویکرد باید عوض شود و دولت باید راهبردی را در پیش گیرد که امنیت انسانی را در جامعه حاکم گرداند. اقدامات زودگذر و فشارهای بیرونی نمی‌تواند صلح را در جامعه افغانی حاکم کند. بیست سال مداخله کشورهای خارجی با رهبری و سلطه آمریکا نتوانست در این کشور صلح و آرامش را به ارمغان آورد. دلایل این وضعیت مشخص است که امنیتی‌سازی صلح در افغانستان ناکام بوده است. پس باید راهبرد را عوض کرد. دلایل هم مشخص است که پیش‌ازاین در نمودار ۳ از مقایسه آن دو پیداست.

ماهیت امنیت سنتی به‌گونه‌ای است که نمی‌تواند مشکلات فقدان صلح را در افغانستان حل نماید. چون امنیت سنتی نمی‌تواند معضلات انواع نداری، ترس و بی‌حرمتی را حل نماید و تا هنگامی که این مسائل در افغانستان حل نشود، صلح پایدار آمدنی نیست. تا زمانی که جهل، فقر، تحقیر، توهین، تبعیض، نابرابری، محرومیت، بیکاری، باورهای نادرست، عدم دسترسی عادلانه به امکانات و... در افغانستان وجود داشته باشد، صلح پایدار محقق نخواهد شد. ماهیت امنیت سنتی به‌گونه‌ای نیست که بتواند چالش‌های یادشده را برطرف نماید. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تناسب میان رفع مشکلات یادشده و امنیت سنتی وجود ندارد؛ درحالی‌که میان ویژگی‌های امنیت انسانی و رفع مشکلات یادشده که صلح‌ساز است، کاملاً تناسب وجود دارد.

ز) تحلیل رابطه امنیت انسانی و صلح پایدار

چگونگی ارتباط امنیت انسانی (متغیر مستقل) و صلح پایدار (متغیر وابسته) از نظر عقلی و قیاسی باید اثبات شود. در آغاز بیان شد که از روش‌های اثبات فرضیه و تحقیق، روش عقلی و برهانی است. البته این رابطه مورد تأکید بسیاری از اندیشمندان است که نباید آن را از نظر دور داشت؛ چنان‌که «امنیت انسانی طبق گفته ساتو (۲۰۰۴) یک مفهوم است که صلح و توسعه را به هم پیوند می‌دهد. این مفهوم درباره آزاد کردن انسان‌ها از موانع فیزیکی و مصنوعی مانند جنگ، فقر یا سرکوب سیاسی است که افراد را از انتخاب آزاد و عمل به انتخاب‌های خود باز می‌دارد. در یک سخنرانی سیاستی توسط کیز و او بوچی، نخست‌وزیر پیشین کانادا، او امنیت انسانی را به‌عنوان مفهومی که همه انواع تهدیدها به بقاء انسانی، زندگی انسانی و کرامت انسانی را شامل می‌شود، توضیح داد و نیاز به تقویت تدابیر برای مقابله با چنین تهدیدهایی را تأکید کرد» (Enu, 2011, p. 256).

«امنیت انسانی یک پیش شرط مهم برای ساخت صلح پایدار در هر زمانی است که به‌نوبه خود پایه صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌کند» (Ibid). «جذاب‌ترین جنبه ارتباط بین امنیت انسانی و ساخت صلح طبق گفته ساتو (۲۰۰۴) این است که نظریه امنیت انسانی پشتیبانی نظری برای ساخت صلح ارائه می‌دهد. ساخت صلح به معنای ساخت یک جامعه است که در آن صلح مثبت تأمین شود. صلح بدون خشونت ساختاری مانند فقر و تبعیض با یک جامعه‌ای است که امنیت انسانی را تضمین می‌کند» (Ibid).

به گفته کانت-مورگان (۲۰۰۵)، تحلیل رابطه بین امنیت انسانی و صلح‌سازی باید با مفهوم‌سازی گسترده‌ای از امنیت انسانی آغاز شود که فرد را در یک ساختار اجتماعی گسترده‌تر قرار می‌دهد. چنین مفهوم‌سازی باید شامل منابع نهادی امنیت انسانی باشد. اقدامات مضر و نادیده گرفتن نهادهایی که حقوق بشر و امنیت انسانی را تضعیف می‌کنند. از جمله موارد دیگر، شامل فروپاشی سیستم رفاه، سیاسی‌سازی و نادیده گرفتن نیروهای نظامی، عدم حرفه‌ای بودن نیروهای شبه‌نظامی و پلیس که زمانی بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم نئوپاتریمونیا لیسم بودند (Ibid, p. 254). با عنایت به دیدگاه‌های یادشده براساس مطالبی که در ادامه می‌آید، رابطه امنیت انسانی و صلح پایدار با رویکرد استدلال برهانی و قیاسی قابل اثبات است.



۱. رضایت مردم

با توجه به مردم‌پایه بودن امنیت انسانی، رضایت مردم را دربردارد. رضایت شهروندان زمینه هرگونه تنش، درگیری و تهدیدات از ناحیه انسان را کاهش می‌دهد که خود تأمین‌کننده صلح پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز است؛ برخلاف امنیت سنتی، دولت‌محور و سخت که بسترهای تنش و درگیری را به‌صورت موقت و صوری کاهش می‌دهد و پایدار نیست. نارضایتی عمومی و مردمی دشمن صلح پایدار است. به همین دلیل، دولت باید تلاش کند رضایت توده مردم را به‌عنوان یک اصل مدنظر قرار دهد تا ضمن تضمین صلح منفی، زمینه صلح مثبت نیز فراهم شود و تهدیدات آن از این زاویه کاهش یابد.

۲. برابری فرصت و فقدان تبعیض

هنگامی که امنیت انسانی (رهایی از انواع ترس و نداری) فراهم شود، یعنی در یک جامعه عدالت و برابری فرصت وجود دارد و با برقراری عدالت و برابری فرصت جامعه کمتر دچار تنش و التهاب می‌شود و به میزان زیاد زمینه‌های زندگی مسالمت‌آمیز فراهم می‌شود. بی‌عدالتی، ظلم و ستم دشمن زندگی مسالمت‌آمیز و به‌دوراز آرامش است. در فرض تضمین امنیت انسانی هدف برخورداری تمامی گروه‌های اجتماعی و به دنبال رضایت فرد انسانی و گروه‌های مختلف اجتماعی است و به همین دلیل بستر تنش و درگیری و عدم آرامش به‌صورت فراگیر کاهش می‌یابد و انسان‌ها از درون رضایت دارند و احساس آرامش درونی همگانی زمینه آرامش عمومی را تا حد زیاد فراهم می‌کند. به همین دلیل، برخی نویسندگان برابری وضعیت و فرصت را از زمینه‌های صلح تلقی نموده‌اند (قزلسفلی، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

افراد با چالش‌های خاص امنیت انسانی روبه‌رو می‌شوند که ناشی از پاسخ‌های سرکوبگرانه (و اغلب خشونت‌آمیز) به هویت‌ها، بیان‌ها، رفتارها یا مجموعه‌هایی است که به نظر می‌رسد از هنجارها و نقش‌های جنسیتی سنتی و غالب تخطی می‌کنند. برعکس پایان دادن به تبعیض بر ضد بیان‌ها، هویت‌ها یا مجموعه‌ها به پیشرفت امنیت انسانی کمک می‌کند (Special Report, UNDP, 2022, p.105). به‌رحال نابرابری‌های عمومی و افقی چالش اساسی برای امنیت انسانی است و در نتیجه صلح پایدار را در معرض خطر قرار داده و به‌جای آن خشونت و زندگی غیرمسالمت‌آمیز را در پی دارد. اما حذف نابرابری‌های عمومی و افقی به پیشرفت و توسعه امنیت انسانی و زندگی مسالمت‌آمیز منجر می‌شود؛ یعنی در اثر نابرابری و عدم امنیت انسانی، خشونت، تعارض و بی‌ثباتی به احتمال قوی در جامعه حاکم خواهد شد. بی‌عدالتی، ظلم و تبعیض مبتنی بر سلسله‌مراتب ارزش انسانی (طبقه‌بندی

نادرست انسان‌ها) به صورت مستقیم بر کرامت انسانی تأثیر می‌گذارد و لگدمال شدن حرمت و شرافت انسانی زمینه تعارض، خشونت و ناآرامی را فراهم می‌کند.

۳. رهایی از انواع نداری

رهایی از انواع نداری ضامن ثبات است و انواع فقر دشمن بی‌ثباتی، التهاب و تنش در انواع مختلف است. به عنوان نمونه، فقر اقتصادی زمینه فساد، اعتیاد، طلاق، سرقت و دیگر انواع ناهنجاری اجتماعی را فراهم می‌کند که دشمن آرامش و زندگی مسالمت‌آمیز است.



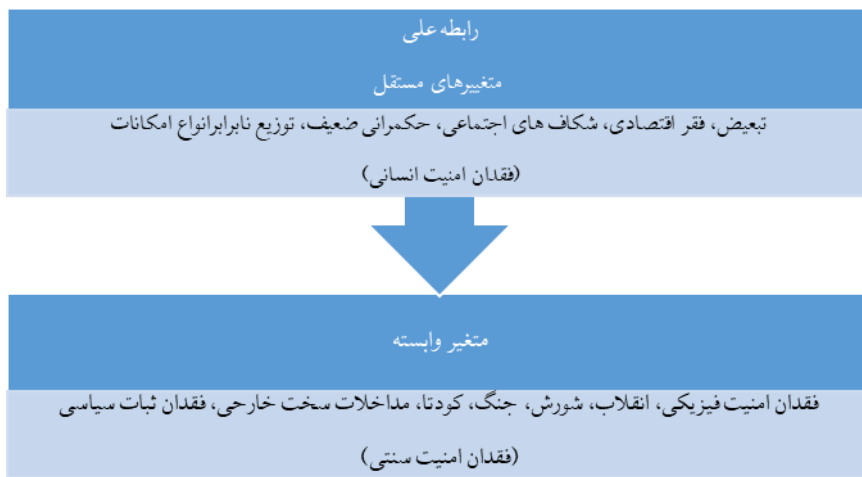
نمودار شماره ۵: توضیحی فرایند تأثیر امنیت انسانی بر صلح پایدار

۴. امنیت انسانی و ثبات سیاسی

امنیت انسانی به معنای برخورداری مردمان سرزمینی از انواع امکانات و تأمین عدالت و برابری فرصت از عوامل ثبات سیاسی به معنای عدم تغییر مداوم نظام سیاسی و حکومت‌هاست که خود می‌تواند صلح منفی را فراهم کند؛ یعنی در مردم برخوردار کمتر بستر شورش، کودتا، غارت، ایجاد ناامنی فیزیکی فراهم است و این زمینه ثبات سیاسی را فراهم خواهد کرد و مدام شاهد تغییر حکومت و رژیم سیاسی نخواهیم بود که این موضوع ثبات در توسعه انواع خدمات را دربرداشته و زمینه زندگی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌کند. نبود ثبات سیاسی قطعاً ارائه انواع خدمات را دچار مشکل می‌کند؛ زیرا توسعه خدمات نیازمند نظام سیاسی و ثبات آن است. تغییر مداوم در رژیم سیاسی، راهبردها، برنامه‌های اولویت‌های بلندمدت را مدام تغییر می‌دهد و بدیهی است که اهداف توسعه و تأمین امنیت انسانی را متزلزل و دچار خطر می‌کند.



چهل سال جنگ و درگیری معلول عدم امنیت انسانی است که خود ثبات سیاسی را در معرض خطر قرار داده است و همواره رژیم‌ها را تغییر داده است. اجلاس بن و حذف یک گروه بزرگ اجتماعی از روند مشارکت سیاسی و تحکیم تبعیض سیاسی در آن نشان داد که امنیت سنتی را فراهم نکرد و رژیم جمهوریت ساقط شد. برخلاف کشورهای جهان سوم، کشورها توسعه یافته با ایجاد امنیت انسانی به ثبات سیاسی و امنیت سنتی و صلح پایدار کمک می‌کنند. با وجود امنیت انسانی، وفاداری واقعی و درونی میان ملت و دولت شکل می‌گیرد و این موضوع به ثبات سیاسی و امنیت سنتی کمک می‌کند؛ یعنی میان عوامل امنیت انسانی و عوامل ثبات و امنیت انسانی رابطه بسیار نزدیک وجود دارد.



نمودار ۶: بیان رابط علل و عوامل امنیت انسانی با علل و عوامل رابط ثبات سیاسی و امنیت سنتی

به‌خوبی از مطالب پیش‌گفته پیداست که میان امنیت انسانی، امنیت سنتی، ثبات سیاسی و صلح پایدار و زندگی مسالمت روابط درهم‌تنیده و پیچیده وجود دارد و باید این درهم‌آمیختگی مورد دقت و توجه قرار گیرد و در هرگونه برنامه بلندمدت نباید از آن غافل شد.

۵. انواع تعصبات و نقض صلح پایدار

پیش‌ازاین بیان شد که میان علل و عوامل تهدیدکننده امنیت انسانی و صلح پایدار رابطه علی و معلولی وجود دارد. از عوامل تهدیدکننده امنیت انسانی انواع تعصبات قومی، مذهبی، نژادی، زبانی، منطقه‌ای و ... است و این عوامل موجب می‌شود که امنیت انسانی در معرض خطر قرار گیرد و عوامل یادشده و فقدان امنیت انسانی خطری برای جنگ، درگیری، آشوب، شورش و انواع خشونت خواهد بود که صلح

پایدار در آن صورت خدشه‌دار خواهد شد. در جامعه چندپارچه انواع بسترهای تهدیدات چالش‌ساز برای امنیت سنتی و انسانی فراهم است که صلح پایدار و مثبت را در نهایت متزلزل و حتی نابود می‌کند. این بستر به صورت خفته و پویا در افغانستان موجود است و از دامن زدن به آنها باید خودداری کرد.

۶. جهل و نادانی و صلح پایدار

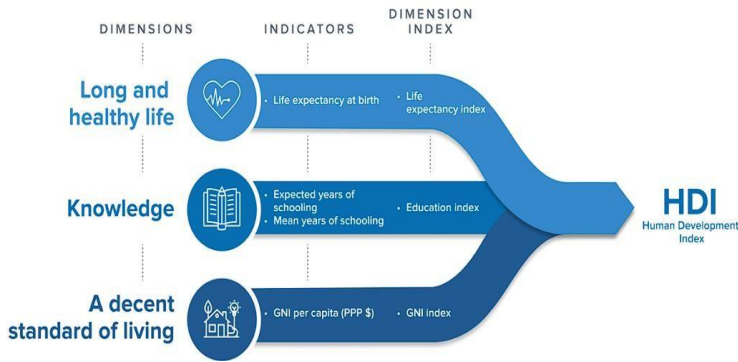
در یک رابطه سلسله‌وار از نظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی میان جهل و نادانی با امنیت انسانی و صلح پایدار رابطه بسیار نزدیک وجود دارد. از عوامل فقدان امنیت انسانی جهل و نادانی است؛ به‌ویژه اگر گروهی براساس جهل و نادانی تکفیر، حقوق انسانی‌اش نادیده گرفته شود. جنگ نتیجه نادانی و فقر فرهنگی است. تردیدی نیست که برداشت‌های نادرست از این دین و عدم فهم دقیق آن خود از تهدیدات صلح منفی و مثبت است. زندگی مسالمت‌آمیز با انسان‌های نادان و جاهل، به‌ویژه با افراد و گروه‌های خاص و عجیب با جهل مقدس در عمل شدنی نیست و فراهم شدن امنیت انسانی و صلح مثبت در چنین جامعه‌ای کار دشوار و چه بسا ناممکن است. نمونه‌های زیادی از این گروه‌ها در تاریخ اسلام بوده است و تردیدی در آن نیست. برای تأیید این مطلب برخی نویسندگان امنیت آموزش را یکی عوامل مهم و حیاتی صلح پایدار تلقی نموده‌اند (Igbuzor, 2011, p.1-6)

۷. توسعه انسانی رهاورد امنیت انسانی

امنیت انسانی به معنای رهایی از نداری، ترس و فقدان کرامت انسانی، طبعاً توسعه انسانی را در پی دارد (Special Report, UNDP, 2022, p.140) و در هر جامعه‌ای که توسعه انسانی محقق شده باشد، انواع خشونت و تعارض کاهش می‌یابد. طبعاً بسترهای خشونت در جامعه توسعه‌نیافته از نیروی انسانی فراهم است و در این امر تردیدی نیست. تحقق شاخص‌های توسعه انسانی از منظر سازمان ملل متحد به خوبی گویاست که بدون امنیت انسانی شدنی نیست.^۱



^۱. Workshop on the Design of the National Human Development Report on Energy Vulnerabilities in the Kyrgyz Republic Bishkek, 2023.



نمودار ۷: عناصر توسعه انسانی

منبع: Workshop on the Design of the National Human Development Report on Energy Vulnerabilities in the Kyrgyz Republic Bishkek, 9 February 2023

بنابراین، نمودار توسعه انسانی سه شاخص اصلی دارد: ۱. زندگی سالم و طولانی؛ ۲. دانش؛ و ۳. استاندارد مناسب زندگی کردن. در فرض تحقیق سه شاخص یادشده در جامعه شاهد توسعه انسانی خواهیم بود و با توجه به عناصر امنیت انسانی، تحقق شاخص های یادشده در گرو امنیت انسانی است.



نمودار ۸: تأثیر امنیت انسانی بر توسعه انسانی و صلح پایدار

۸. رهایی از بی حرمتی

پیش از این اشاره شد که در گزارش سال ۲۰۲۰ برنامه توسعه سازمان ملل برداشت برخی از اندیشمندان از عناصر امنیت انسانی رهایی از بی حرمتی و رعایت کرامت انسانی است. بی حرمتی موجب می شود که امنیت انسانی در معرض خطر قرار گیرد و تحقیر و توهین انسانی ممکن است بستر انواع خشونت فعلی و بالقوه دور و نزدیک را فراهم نماید که خود مغایر با پیدایش صلح پایدار است که در آن نباید تهدید مستقیم و غیرمستقیم نسبت به حیات و لوازم زندگی وجود داشته باشد. به همین دلیل، در منابع اسلامی معروف است که حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است.

تأمین صلح پایدار

تضمین کرامت
انسانی

رهای از بی حرمتی

نمودار ۹: تأثیر رهایی از بی حرمتی بر تضمین کرامت انسانی و صلح پایدار

۹. رهایی از فقر اقتصادی

عدم توسعه اقتصادی و فقر اقتصادی از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت انسانی و در نتیجه صلح پایدار است. بدین رو، نظام اقتصادی، سیاست اقتصادی مناسب و پایدار، برنامه‌های معین اقتصادی که فراهم کننده وسایل مادی و معیشت مردم باشد، از زمینه‌های صلح پایدار است (قرلسفلی، ۱۳۹۶، ص ۹۸). پیش از این هم بیان شد که دامنه امنیت انسانی شامل موارد ذیل است: امنیت اقتصادی: تضمین دسترسی به درآمد، فرصت‌های شغلی و منابع در حین کاهش نابرابری‌های درآمدی و ترویج توزیع عادلانه ثروت و ۲. امنیت غذایی: تضمین دسترسی و استفاده از غذاهای به دست آمده از منابع متنوع، و ترویج روش‌های کشاورزی پایدار.

ح) تجربه‌های موفق تضمین صلح پایدار با تأمین امنیت انسانی (اثبات استقرائی فرض)

در مقدمه ادعا شد که میان امنیت انسانی و صلح پایدار رابطه پدیداری وجود دارد؛ بدان معنا هرگاه امنیت انسانی فراهم گردد، صلح پایدار محقق خواهد شد و به همین خاطر فرضیه نویسنده آن است که امنیت انسانی متغیر مستقل و صلح پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز متغیر وابسته است. با عنایت به اینکه از روش‌های تحقیق، روش استقرائی در ابتدای نوشتار بیان شد، بیان تجربه موفق این رابطه پدیداری (تأثیر مثبت امنیت انسانی بر صلح پایدار) می‌تواند ادعای نویسنده را اثبات نمایند.

۱. تأمین امنیت انسانی در کشورهای توسعه‌یافته

با نگاه استقرائی و تجربه عملی باید اذعان کرد که با تعریف و اتخاذ سیاست‌ها با رویکرد امنیت انسانی، کشورها توانسته‌اند صلح پایدار و زندگی مسالمت‌آمیز را محقق کنند. با تحقق امنیت انسانی در حوزه‌های اقتصادی، غذایی، مشارکت سیاسی، محیط‌زیست، آموزش و بهداشت و امثال آن به خودی خود در بسیار از کشورها زندگی مسالمت‌آمیز و صلح پایدار محقق شده است. رهیافت امنیت انسانی بر تمامی مراحل صلح (صلح‌سازی، صلح‌بانی و نهادینه شدن صلح) تأثیرگذار است. هند، مالزی، اندونزی، ایالات متحده، انگلستان تجربه‌های موفق در این باره هستند. در هند و اندونزی با



تکثرهای قومی، مذهبی، زبانی و نژادی با تعریف سیاست‌های مناسب با محور امنیت انسانی تا حدودی توانسته‌اند صلح نسبی را در این کشورها فراهم نمایند.

صلح‌سازی شاید کار آسان باشد؛ اما صلح‌بانی و نهادینه‌سازی آن بدون امنیت انسانی کاری بس دشوار است. رهایی از انواع نداری در کنار رهایی از ترس نقش مهم در زندگی مسالمت‌آمیز دارد. در جوامع چندپارچه ممکن است رهایی از ترس و نداری مختص یک گروه اجتماعی خاص باشد و شامل برخی گروه‌ها یا اکثریت آنها نشود و این وضعیت زمینه‌تزلزل زیست مسالمت‌آمیز اجتماعی را از بین می‌برد؛ زیرا در طولانی مدت گروه‌های غیربرخوردار در برابر آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. در این زمینه ممکن است یک اقلیت یا اکثریت برخوردار باشد و بقیه جزء گروه‌های به حاشیه‌رانده و غیربرخوردار باشند و این وضعیت می‌تواند به دلیل محرومیت گروه‌های به حاشیه‌رانده شده زیست اجتماعی مسالمت‌آمیز را به خطر اندازد. تجربه اجلاس بن و حذف یک گروه بزرگ به‌خوبی گویایی این وضعیت است که تأسیسات مبنی بر اجلاس بن امنیت، و صلح‌پایدار را برای افغانستان به ارمغان نیاورد. وضعیت جدید نیز تکرار وضعیت قبلی است و عدم برخورداری گروه‌های قومی، نژادی، مذهبی و ... به حاشیه‌رانده‌شده زندگی مسالمت‌آمیز را می‌تواند در معرض خطر قرار دهد.

۲. تأمین امنیت انسانی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا در حال توسعه

اتحادیه بین‌المجالس هفت کشور را به‌عنوان نمونه نام برده که اقدامات مجالس آن کشورها در زمینه امنیت انسانی و عمومی با هدف صلح‌سازی موفق بوده‌اند؛ یعنی کشورهای آفریقای جنوبی، نیجریه، مغولستان، کاستاریکا و بنگالادیش. (19, 2024, Inter-Parliamentary Union) از سوی دیگر، بیشترین مشکلات در زمینه صلح‌پایدار در کشورهای کمتر توسعه یافته وجود دارد و این امر نشان می‌دهد در هر کشوری که امنیت انسانی ضعیف و کم‌رنگ باشد، بسترهای صلح‌سازی و صلح‌بانی کمتر فراهم است. «گزارشی توسط گفتگوی بین‌المللی در زمینه صلح‌سازی و دولت‌سازی نشان می‌دهد که ۱/۵ میلیارد نفر در کشورهای آسیب‌دیده از درگیری و شکننده زندگی می‌کنند و ۷۰ درصد از این کشورها از زمان ۱۹۸۹ تحت تأثیر درگیری قرار گرفته‌اند. همین گزارش اشاره می‌کند که «هیچ کشوری شکننده با نرخ پیشرفت فعلی تا سال ۲۰۱۵ به هیچ‌یک از اهداف توسعه هزاره نخواهد رسید» (Mugo Mugo, 2013, p.4). در طول این تحقیق بیشترین تحقیقات در زمینه امنیت انسانی و تأثیر آن بر صلح‌پایدار مربوط کشورهای توسعه‌نیافته است و دولت‌های آنها در زمینه تأمین امنیت انسانی موفق نبوده‌اند و از این جهت مشخص می‌شود که کشورهای شکننده و ضعیف در زمینه امنیت انسانی



با چالش جدی در زمینه صلح پایدار روبه‌رو هستند و فقدان تأمین صلح پایدار مسئله اساسی است. طبیعی است که کشور ما از این جهت مشابه کشورهای شکننده و ضعیف در زمینه صلح پایدار است.

۳. اجرای برنامه توسعه سازمان ملل متحد و امنیت انسانی

در سال ۱۹۹۴ برنامه توسعه سازمان ملل متحد، یک گزارش بی‌پیشینه را منتشر کرد که برای یک تغییر در مفهوم امنیت از دولت - ملت به مردم - ملت فراخوان داده بود. این گزارش تهیه شده بود تا امنیت بازتعریف شود و تسلط رئالیسم را از طریق تغییر موضوع امنیت مرجع از ملت - دولت به شهروندان یک کشور به چالش کشیده شود. امنیت انسانی به‌عنوان یک مفهوم، پدیده کاملاً جدید نبود؛ زیرا امنیت از نظر تاریخی اندیشه‌ای تقریباً مرتبط با افراد بود (Glasius, 2008, p.31). با وجود این، در پی انقلاب فرانسه اندیشه مرتبط با امنیت با مرکزیت ملت - دولت تغییر کرد؛ زمانی که گزارش یادشده برنامه توسعه سازمان ملل متحد منتشر شد (Ibid). امنیت دولت‌محور به مفهوم سنتی، یعنی به امنیت سخت اشاره دارد؛ در حالی که مفهوم امنیت انسانی به مفهوم غیرسنتی یعنی امنیت نرم اشاره دارد.

این پایه و اساس طرح برنامه توسعه سازمان ملل متحد به دلیل یک تغییر عمده بود که اشخاص و دولت برداشت‌های متفاوت از امنیت دارند. به‌عنوان مثال، دولت ممکن است در امنیت باشد؛ زمانی که با تهدیدات قریب‌الوقوع حمله یا انقلاب روبه‌رو نباشد؛ در حالی که مردمانش ممکن است در آن حالت با ترس روبه‌رو باشند. امنیت انسانی برای کشورهای در حال توسعه محدودیت نیست؛ اما به‌صورت جهانی قابلیت اجرایی دارد (UNDP, 1994, p.22). یکی از مهم‌ترین لوازم جدا کردن امنیت از مرزهای ملی کشورها این است که تهدیدات امنیت انسانی به‌وسیله مرزهای ملی محدود نمی‌شود؛ اما می‌تواند پیامدهای جهانی داشته باشد (همان).

محور تعریف برنامه سازمان ملل متحد از امنیت انسانی مفاهیم «آزادی از ترس و آزادی از نداری» است که در قالب آزاد بودن از تهدیدات خشن نسبت به حیات انسان و آزاد بودن از تهدیدات سخت، به ترتیب از قبیل گرسنگی، مریضی، حوادث طبیعی می‌تواند درک شود (همان، ۲۴). برداشت سازمان ملل از مفهوم امنیت انسانی، این نکته را متضمن است که صلح پایدار می‌تواند در دسترس باشد و یک‌باره مردم را هم از ترس و هم نداری می‌تواند آزاد کند.

گزارش UNDP هفت نوع تهدید برای امنیت انسان را فهرست می‌کند: تهدید اقتصادی، غذایی، محیطی، سیاسی، اجتماعی، بهداشت و فردی (ibid, p. 33-34). برخی از این نوع تهدیدات به



آسانی قابل توضیح‌اند. به‌عنوان مثال، امنیت اقتصادی به معنای داشتن حداقل درآمد و امنیت نسبت به کار و استخدام است؛ درحالی‌که امنیت غذایی معنای دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اصلی است. امنیت بهداشتی به معنای دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سطح حداقلی حمایت در برابر بیمارهای قابل جلوگیری است (درحالی‌که این موارد غالباً به سطح بهداشتی بسیار محدود یا دسترسی ناچیز به مراقبت‌های بهداشتی مربوط می‌شود).

امنیت محیطی برداشتن امنیت از مصائب محیطی از قبیل حوادث طبیعی، همانند خشکسالی و سیل و دسترسی به آب پاکیزه متمرکز است. امنیت فردی بر تهدیدات امنیت زندگی از طریق خشونت‌های ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی متمرکز است که از چند منبع به شمول دولت، دیگر اشخاص و خود شخص سرچشمه می‌گیرد. این نوع تهدیدات از میان دیگر انواع خشونت، شکنجه دولتی، نژادی و خشونت‌های جنسیتی، خودکشی و استفاده نادرست از دوا در برمی‌گیرد. امنیت اجتماعی یک گام فراتر از امنیت شخصی قرار دارد که در آن تمرکز بر امنیت گروه‌های اجتماعی است؛ مانند خانواده، جامعه، نهادها یا گروه‌های قومی و نژادی از اینکه هویت و همبستگی خود را از دست دهند یا با خشونت روبه‌رو شوند.

به‌عنوان مثال، بسیاری از زبان‌ها و فرهنگ‌ها به‌صورت منفی از جهانی‌سازی متأثر می‌شوند. یا تبعیض قومی تهدیدی برای گروه‌های قومی است؛ درحالی‌که تعارض قومی و مذهبی زندگی بی‌شمار را در معرض خطر قرار داده است. در آخرین دسته تهدیدات امنیت انسانی یعنی امنیت سیاسی به معنای زندگی در یک کشور و جامعه‌ای است که در آن حقوق بنیادین حمایت شده باشد. همسانی ظاهر میان امنیت انسانی و توسعه، مقداری تحیر و بحث را موجب شده است. هفت دسته تهدید به آسانی می‌تواند اولویت‌های توسعه انسانی تلقی شود؛ اما سازمان ملل متحد میان آن دو از این رهگذر فرق قائل است که امنیت انسانی امری ضروری است؛ اما لزوماً شرط کافی برای توسعه نیست، *ibid* (p.23). امنیت انسانی این موضوع را بیان می‌کند که خواه‌ناخواه مردم نسبت تهدیدات روزه‌مره و عادی باید حمایت شوند؛ درحالی‌که توسعه انسانی رفاه اجتماعی را بیان می‌کند.

نتیجه‌گیری

مشخص شد که امنیت انسانی تأثیری بسزا بر صلح پایدار در افغانستان دارد و تا هنگامی که امنیت انسانی در افغانستان تضمین نشود، صلح پایدار دور از دسترس خواهد بود. فرضیه تأثیر امنیت انسانی بر صلح پایدار هم از طریق استدلال برهانی و استقراء اثبات شد. رابط علی میان عوامل امنیت انسانی و صلح پایدار نیز مورد دقت قرار گرفت که هر جا عواملی که امنیت انسانی را ضعیف و شکننده کند بر عوامل تضعیف‌کننده و شکنندگی صلح پایدار تأثیر می‌گذارد. با تجزیه و تحلیل اجزای امنیت انسانی و ارتباط مثبت آنها با صلح پایدار، رابط پدیداری صلح پایدار و امنیت انسانی ثابت شد.

از سوی دیگر، مشخص شد که در هر کشورهای که برنامه‌های تأمین امنیت موفقانه اجرا شده، صلح پایدار به دست آمده است. به‌عنوان نمونه، کشورهای متعدد در زمینه تأثیر مثبت امنیت انسانی بر صلح پایدار ذکر شد. بدین‌رو، در افغانستان نیز تأمین صلح پایدار از مسیر تضمین امنیت انسانی می‌گذرد. در طول تحقیق مشخص شد که کشورهای ناموفق در زمینه تأمین صلح پایدار بیشترین مشکل را در زمینه تأمین امنیت انسانی داشته‌اند و نیم‌قرن تجربه در افغانستان نیز نشان می‌دهد امنیت سنتی به‌تئهایی برای صلح پایدار کافی نیست؛ بلکه امنیت سنتی بدون امنیت انسانی متزلزل و شکننده خواهد بود.



۱. کر، پائولین (۱۳۸۷). امنیت انسانی، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۱(۳ و ۴)، ۳۰ و ۳۱.
۲. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). امنیت انسانی: مبانی، مفاهیم و الزامات راهبردی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۸(۳ و ۴)، ۳۰ و ۳۱.
۳. قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۶). صلح پایدار در جهان متکثر. علوم سیاسی، ۲۰(۷۸)، ۲۰ و ۲۱.
4. IPSHU English Research Report (2004). Series No.19, Conflict and Human Security: Search for New Approaches of Peace-building.
5. SPECIAL REPORT (2022). New threats to human security in the Anthropocene, Demanding greater solidarity, By the United Nations Development Programme, 1 UN Plaza, New York, NY 10017 USA.
6. Frantzell, Annika (2011). Human Security, Peacebuilding, and the Hazara Minority of Afghanistan: A study of the importance of improving the community security of marginalized groups in peacebuilding efforts in non-Western Societies, Department of Political Science Master's Thesis in Global Studies, Supervisor: Ted Svensson, SIMT 07.
7. Burgess & Owen (eds.) (2004). What is Human Security?, Comments by 21 author's Special Issue of Security Dialogue, 35.
8. Emadi, Hafizullah (2008). Modernising One Village in Afghanistan. Contemporary Review, 290(1689).
9. Enu, Donald Bette & Ugwu, Ude (2011). Human Security and Sustainable Peace Building in Nigeria: The Niger Delta Perspective, Journal of Sustainable Development, 4(1), 1-10.
10. Mugo Mugo (2013). Post-2015 Development Agenda: Targeting Poverty through Sustainable Peace Publication. Global Education Magazine Journal, Publication Date: September 15, 2013.

11. Otiye Igbuzor (2011). Peace and security education: A critical factor for sustainable peace and national development. *International Journal of Peace and Development Studies*, 2(1), 1-7.
12. Inter-Parliamentary Union , for democracy . or everyone ,Human security and common security to build peace, 2024 , p.19
13. (UNDP) United Nations Development Programme (1994). *Human Development Report: Annual Report*. New York: UNDP.
14. United Nations Trust Found or Human Security (2016). *HUMAN SECURITY HANDBOOK An integrated approach for the realization of the Sustainable Development Goals and the priority areas of the international community and the United Nations system*, Human Security Unit * United Nations * .
15. Workshop on the Design of the National Human Development (2023). *Report on Energy Vulnerabilities in the Kyrgyz Republic*, Bishkek.

